خبر سازان

میرکریمی:

همچنان کمبود سالن سینما داریم

● **شرق:** روز گذشته در محل «خانه سینما» جلسه مشترک «شورای صنفی نمایش» و «هیأت‌مدیره خانه سینما» برگزار شد. پیش از این جلسات شورای صنفی به دلیل دعواهای صنفی «خانه سینما» و «جواد شمقدری» در ساختمان سازمان سینمایی برگزار می‌شد. در این جلسه مشکلات وضعیت پخش فیلم‌ها میان حاضران مطرح شد و در پایان رضا میرکریمی، مدیرعامل خانه سینما، به سؤالات آنها پاسخ گفت. میرکریمی درباره این نشست گفت: «این جابه‌جایی فیزیکی کم‌اهمیت است. ولی پیامی دارد؛ اینکه مسائل سینما به دست خود اهالی بیفتد تا در جهت مقاوم‌سازی خصوصی‌سازی سینما قرار گیریم. درنهایت اداره سینما به دست اهالی سینما همان خصوصی‌سازی است و مفهوم آن، این است که در جاهایی که به سینماگران اعتماد شود، آنها توانایی دفاع از کیان سینما را دارند».بااین‌حال مدیرعامل خانه سینما منکر خدمات این جلسه در وزارت ارشاد نشد و عنوان کرد:« بازگشت شورای صنفی به خانه سینما درخواست ما و سازمان سینمایی بود. خوشبختانه اختلافات تهیه‌کنندگان برطرف شده و کار سینماداران هم رونق گرفته است».میرکریمی درباره اظهارات بهروز افخمی درخصوص ضبط کارت‌های عوامل برنامه تلویزیونی «هفت» در سی‌وچهارمین جشنواره جهانی فیلم فجر عنوان کرد: «ترجیح می‌دهم سکوت کنم. اما بااین‌حال همچنان بهروز افخمی را دوست دارم».

یک خبرنگار سینمایی درگذشت

● **شرق:** علی وزینی، خبرنگار، عکاس و مدیر سایت سینمایی «سینمافا»، صبح روز ۱۲ اردیبهشت درگذشت. به گزارش ایسنا، وزینی که از مشکل کبد رنج می‌برد و به منظور پیوند کبد به شیراز رفته بود، در ۲۷ سالگی در بیمارستانی در این شهر درگذشت. وزینی علاوه بر فعالیت رسانه‌ای، طی سال‌های برپایی جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان همدان نقش پررنگی در برگزاری و اطلاع‌رسانی داشت. مراسم تشییع و تدفین این خبرنگار فقید سه‌شنبه ۱۴ اردیبهشت ساعت ۹ صبح از مسجد قبا، کوی استادان همدان برگزار خواهد شد. «شرق»، درگذشت این همکار را به خانواده محترم ایشان و علاقه‌مندان سینما، تسلیت می‌گوید.

ششمین نشست «سه سرزمین، یک زبان»

شرق: ششمین نشست ویژه «ادبیات امروز آلمانی‌زبان» با عنوان «سه سرزمین، یک زبان» در روز سه‌شنبه چهاردهم اردیبهشت ساعت ۱۶:۳۰ با حضور آنا بار از اتریش، اوولا لنتسه از آلمان و پتر اشتام از سوئیس در مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار می‌شود. این نشست از سال ۱۳۹۰ و به مناسبت برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران تشکیل می‌شود و در آن درباره موقعیت و سبک ادبیات معاصر آلمانی‌زبان بحث و گفت‌وگو می‌شود و نویسندگان میهمان بخش‌هایی از داستان‌های خویش را می‌خوانند.

آنا بار، نویسنده اتریشی، در رشته روزنامه‌نگاری موفق به اخذ مدرک دکترا شده است. وی در کنار تحصیلات خود، در رادیو و مطبوعات نیز فعالیت کرده است. اولین رمان وی به‌نام «رنگ انار» در سال ۲۰۱۵ در انتشارات «والشتاین گوتینگن» منتشر شده است. این نشست با همکاری بخش‌های فرهنگی اتریش، آلمان و سوئیس در مرکز فرهنگی شهر کتاب واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، نبش کوچه سوم برگزار می‌شود و ورود برای علاقه‌مندان به زبان و ادبیات آلمانی آزاد است.

هنرمندان سوئیسی به ارسباران می‌آیند

شرق: «تصویرسازی کتاب‌های مصور از سوئیس» نام نمایشگاهی از آثار آلبرتین و ژرمانو زولو، دو تصویرگر سوئیسی است که از ۱۷ تا ۲۹ اردیبهشت در فرهنگ‌سرای ارسباران برپا می‌شود. به گزارش روابط‌عمومی فرهنگ‌سرای ارسباران، در این نمایشگاه ۷۰ اثر در ابعاد مختلف از شش کتاب به نویسندگی ژرمانو و تصویرگری آلبرتین زولو در معرض دید علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. این نمایشگاه با مشارکت انجمن تصویرگران، مؤسسه فرهنگی - ادبی کیا، بخش فرهنگی سفارت سوئیس و فرهنگ‌سرای ارسباران برگزار می‌شود. تاکنون کتاب‌های (مارتا و دوچرخه، بازگشت مارتا، مارتا و هشت‌پا و مارتا در سرزمین بالون‌ها) از کتاب‌های مشترک این دو هنرمند توسط انتشارات کودکان یزد به زبان فارسی منتشر شده است. آلبرتین تصویرگر در سال ۱۹۶۷ در ژنو متولد شد. وی پس از ازدواج با ژرمانو، نویسنده کودک، در سال ۱۹۹۶ فعالیت‌های مستمری را در زمینه چاپ و نشر کتاب‌های مصور با همکاری همسرش انجام داد.

آزادسازی اکران به سبک «شورای راهبری»

بیانیه‌ای برای درج در تاریخ

عکس: ایرنا

فرانک آرتا: اردیبهشت، ماه پرخبر سینماست. بعد از برگزاری سی‌وچهارمین جشنواره جهانی فیلم فجر در روزهای نخستینِ ماه دوم بهار، «شورای راهبردی تحقیق و توسعه سینمای ایران» پنجمین بیانیه خود را منتشر کرد با این محتوا که معتقد است «باید چرخه اکران فیلم‌های سینمایی به شکل آزاد اجرا شود». این شورا که یک سال از فعالیتش می‌گذرد، بنا به گواه متولیانش، جمعی است خودجوش. بهروز افخمی درباره‌اش می‌گوید: «ما چند نفر پیرمرد دور هم جمع شدیم. اعضای این شورا قرار است درباره سینما نظرات خود را مطرح کنند؛ درحالی‌که نه کسی آنها را نصب کرده، نه عزل و حتی به قول سیدضیاءالدین دری، عضو قبلی این گروه، قدرت اجرائی هم ندارند». سیاست‌های دولت هم خیلی با ساز آنها کوک نیست؛ ولی بااین‌حال تا امروز پنج بیانیه داده‌اند. در پنجمین بیانیه این جمع آمده: «با تبریک موفقیت سینمای ایران در جلب مخاطبان در دو ماه نخست سال ۱۳۹۵، «شورای راهبردی سینمای ایران» با تاکید بر لزوم به‌رسمیت‌شناختن سینمای ایران به‌عنوان یک صنعت ملی در حوزه قوانین و دستورالعمل‌ها، لازم می‌داند پیرامون مسئله پخش و اکران فیلم‌ها نکاتی را طرح کند. با توجه به مسئله بحران مخاطب و ریزش آن در سال‌های گذشته که نقش اصلی در رشدنکردن بخش خصوصی سینما را دارد، این شورا بر این باور است که رابطه مخاطب و سینما تنها در صورتی در بهترین مسیر خود حرکت خواهد کرد که نمایش فیلم در سینماهای ایران صرفا در رابطه سینمادار با تهیه‌کننده تعریف شود. تجربه نشان داده وجود هرگونه واسطه به ارتباط گسترده و سالم فیلم با مخاطب خدشه وارد کرده و احتمالا باعث ایجاد رانت‌های مختلف برای برخی افراد و نهادها خواهد شد».

در انتهای این بیانیه اشاره می‌شود: «شورای راهبردی با تکیه بر آمار و تحقیقات و تجربیات سال‌های گذشته بر این عقیده است که با این شکل نمایش سهمیه‌ای، سینمای ما هیچ‌گاه صاحب فیلم‌های بزرگ و پرمخاطب نخواهد شد و نحوه شکست و پیروزی فیلم‌ها بر مداری نامشخص و ناعادلانه خواهد چرخید. با آزادسازی چرخه اکران و ضابطه‌مندکردن نحوه نمایش فیلم‌ها در سالن‌های سینما، این امکان برای رویارویی بی‌واسطه سینما با مخاطب فراهم می‌شود و تنها وجود یک نهاد بازرسی برای پیگیری حقوق تضییع‌شده سینماگران و صاحبان سالن‌ها کفایت خواهد کرد».

اعضای اولیه این شورا متشکل از سیدضیاء هاشمی، علی معلم (سخنگو)، علیرضا رئیسیان، مهدی فخیم‌زاده، فرامرز قریبیان، محمدعلی حسین‌نژاد، منوچهر شاهسواری، رسول صدرعاملی، سیدضیاء دری، پوران درخشنده، بهروز افخمی، شهاب حسینی، مجید میرفخرایی و مهدی کرم‌پور بودند که با خروج محمدعلی حسین‌نژاد، ضیاءالدین دری، منوچهر شاهسواری و رسول صدرعاملی، آقایان مهدی سجاده‌چی، محمدعلی نجفی، احمدرضا معتمدی و سیروس الوند جایگزین آنها شدند. برای روشن‌ترشدن وضعیت این شورا و تحلیل دیدگاهشان با مهدی فخیم‌زاده و علیرضا رئیسیان تماس گرفتیم که آنها پاسخ‌ها را به علی معلم به‌عنوان سخنگوی شورا واگذار کردند. در تماسی با تلفن همراه معلم، ایشان در دسترس نبود. در انتها مهدی کرم‌پور، کارگردان سینما و از اعضای جوان این شورا، به سؤالات ما پاسخ داد. کرم‌پور درباره تأخیر ادامه فعالیت‌های این شورا و فاصله‌افتادن میان بیانیه‌ها گفت: «طبیعی است که ما صرفا وظیفه خود نمی‌دانیم که بیانیه بدهیم! بلکه براساس و متناسب با نیازهای سینمای ایران سعی می‌کنیم که نگاه راهبردی به مسائل سینمای ایران داشته باشیم. معتقدیم بحث‌های نظری، راهگشای فعالیت‌های عملی نیز هست. علت وقفه هم این بود که سال گذشته جشنواره ملی برگزار شد و در سال جدید هم همکاران به دلیل روزهای بهاری و نوروز در سفر بودند و بعد از آن هم جشنواره جهانی فیلم فجر برپا شد. به‌همین‌دلیل نخواستیم تداخلی با برنامه‌ها به‌وجود بیاید و دادن بیانیه پنجم را به بعد از همه اتفاقات موکول کردیم». او در پاسخ به این پرسش «شرق» که این شورا «قدرت اجرائی» ندارد، پس فایده شکل‌گیری و تداوم حرکتش چیست، پاسخ داد: «واقعیت این است که از این طریق نظرات خود را اعلام می‌کنیم تا برای درج در تاریخ سینما، به سندی تبدیل شود که ما در برهه زمانی و به‌اصطلاح، وقتش، مشکلات را رصد و نگرانی‌های خود را اعلام کردیم». کارگردان «پل چوبی» درباره این نکته که اساسا مخاطبان این بیانیه چه کسانی هستند، این‌طور توضیح داد: «مخاطبان این بیانیه می‌تواند هر شخص حقیقی و حقوقی باشد؛ دولت، شورای صنفی نمایش و یا دیگران». یکی از نقدها به محتوای بیانیه مبهم و منفعل‌بودن آن است و اینکه درباره مسئله پیچیده و مهمی مانند «نظام پخش فیلم»، کلی‌گویی و به واژگانی مثل «واسطه‌گری در اکران» بسنده می‌کند. کرم‌پور به این نقد چنین پاسخ داد: «ما معتقد به پیوستن سازوکار سینما به بخش خصوصی هستیم. این نکته کاملا واضح و مبرهن است که هرچه و هرکس میان رابطه سینمادار و تهیه‌کننده در چرخه پخش فیلم دخالت کند، اضافه است و حرکت آن را دچار لغزش می‌کند». کرم‌پور در برابر این پرسش که نگاه شما به «شورای صنفی نمایش» که اخیرا حجت‌الله ایوبی با برگزاری جلساتش در خانه سینما موافقت کرده، گفت: «ما معتقدیم که شورای صنفی نمایش باید نقش نظارتی داشته باشد و نه به‌عنوان فعال در بحث اکران و معرفی سرگروه سینماها دخالت کند. این شورا باید ناظر باشد و نه فاعل».

پشت بوم

عجیب‌ترین پز روشنفکری

حسین هاشم‌پور

● کتابی زیر بغل و یک عینک با فریم کائوچویی، تیپ غالب روشنفکری در روزگارانی بود که کافه‌ها معنایی بیشتر از بوی سیگار و قهوه داشت و درِ خانه کسانی مانند گلستان، گلشیری، براهنی و... به روی اهالی هنر و مباحثه باز بود. آن روزگاران ارجاع‌دادن هر دو، سه جمله گفتار به گل‌گفته‌های یک بزرگ یا کتاب‌هایی که تازگی خوانده شده، دیگر نمادهای روشنفکری بود؛ کتابخانه سیاربودن حُسن بود، ارج و قربی داشت، کسی که سارتر، کافکا، ماکسیم گورکی خوانده بود، فروید می‌شناخت و ابیات حافظ، سعدی، لورکا و تی‌اس الیوت را اشارت می‌داد، عزت می‌دید؛ دست‌کم لقب خرخون نمی‌شنید... .

اما امروز که هرکس برای خود علامه‌ای است، دیزاین و زیبایی‌شناسی مختص خود را دارد و نمی‌توان تیپیکالی برای روشنفکری ترسیم کرد، واژگان روشنفکری هم تغییر بنیادین و غمگنانه‌ای یافته است: «مدت‌هاست کتاب نخونده‌ام، دیگه روزنامه نمی‌خونم، نخوندم اما یه چیزی توی تلگرام دیدم...».

این جملات اغراق نیست، یک واقعیت اجتماعی است؛ با دو تفاوت، از همان‌جور زخم‌هایی است که صادق هدایت نوشت: «در زندگی زخم‌هایی هست که مثل خوره در انزوا روح را آهسته می‌خورد و می‌تراشد. این دردها را نمی‌شود به کسی اظهار کرد، چون عموما عادت دارند این دردهای باورنکردنی را جزء اتفاقات و پیشامدهای نادر و عجیب بشمارند». دو تفاوت اینجاست که اشتیاق به نخواندن و ندانستن، نه‌فقط در انزوا، بلکه میانه انبوه مردم، سوهان روح است و دیگر اینکه بایدوباید این درد را به همه کسان اظهار کرد؛ این درد همگانی است که آبرو از نسل و دوره حیات‌مان می‌برد.

در آستانه نمایشگاه کتاب، سال تحویل کتاب، بیاییم برای حال خودمان، برای چهره‌ای که از خود تراشیده‌ایم، حَوّل حالَنا بخوانیم. این‌جوری که می‌رویم، همه‌مان با هم، قایقی را سوراخ می‌کنیم که در آن نشسته‌ایم.

خبر ویژه

وقتی سایت شخصی غلامعلی ملول مرجعی برای فرهنگ دوستان می‌شود

دغدغه‌های یک عاشقِ اندیشه و هنر

www.malool.com

این روزها سایت غلامعلی ملول در کشور مورد استقبال اندیشمندان و هنر دوستان و علاقه‌مندان به فرهنگ و تاریخ ایران زمین قرار گرفته است . سایت www.malool.com از بخش‌های مختلفی تشکیل شده است . مهمترین بخش‌های سایتِ مزبور "جهان بینی" و "فعالیت‌های هنری" است .

اعلامیه جهانی حقوق بشر، والاترین اثر مکتوب بشری

مهندس غلامعلی ملول عقاید و دیدگاه‌های مخصوص به خود دارد . وی از نوجوانی همیشه این جمله را زمزمه کرده که تقلید کار پسندیده‌ای نیست . فلسفه و فلسفیدن ، عقل‌گرایی و پیروی از منطق از مشخصه‌های بارز اوست و این خصیصه از بچگی در او نهادینه شده است .یکی از بخش‌های منحصر به فرد سایت مزبور ، بخش جهان‌بینی است که خود شامل چند فصل از جمله فصلِ "شناخت شناسی" و "فلسفهٔ سیاسی" است . در این بخش به مسائلی همچون چگونگیِ شکل‌گیریِ شاخت ، کالبد شکافیِ ذهن و تبیینِ ارکان شَناخت اشاره دارد .

وی در این بخش می‌گوید :

« من بر این پندارم که ما را با جوهر و مطلق و حقیقتِ جهان کاری نیست و معرفت ما از جهان ، معرفت به "صفات" و "شدن" اعیان است .»در بخش دیگری با عنوانِ "عرفان در محکمه عقل" او به نقدِ عرفان پرداخته است . غلامعلی ملول در این قسمت عشق را ، میل به کشفِ اسرار و رموز می‌داند ، اما کاشفِ اسرار و رموز را عقل می‌داند .

فصل دیگری از این سایت به فلسفه سیاسی اختصاص یافته است. این فصل اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر را والاترین اثرِ مکتوب بشری دانسته است . همچنین راه نجات بشر را حکومت عقل بر بشر و حاکمیتِ عقل بر زمین دانسته است که سرانجام منجر به عملی شدنِ آرمان جهان وطنی خواهد شد .

دوران مفت‌خوری از زمین تمام شده است

فصل دیگری در بخش جهان‌بینی به شرح مبانیِ سیاسی و اقتصادیِ نظریهٔ جهان وطنی پرداخته است .

در این فصل بیان شده :

« در طول تاریخ هیچ حیوانی به اندازهٔ انسان همنوع خود را ندریده است . جنگ ، فقر، گرسنگی ، فاصله زیاد طبقاتی ، قحطی ، نابودی و آلودگی محیط زیست از آثار و نشانه‌های کوته‌فکری بشر امروزی است .»« جهان وطنی به معنی آن نیست که کشوری ساده لوحانه ، امروز مرزهای خود را به روی جهان باز کند و منابع و معادن خود را در اختیار جهانیان قرار دهد .» یکی دیگر از فصل‌های بسیار مهم سایت www.malool.com به مبانیِ اقتصادیِ نظریهٔ جهان‌وطنی اختصاص دارد . در این قسمت آمده است :

« در چند دهه گذشته بشر آنچنان به مفت خوری از زمین عادت کرده که اگر قرار باشد هزینه‌های جبرانِ خساراتِ زیست محیطی را پرداخت کند ، همه در خیابان‌ها سر به شورش می‌آورند و شهر را به آتش می‌کشند . این ندا را گوش دهیم ، دوران مفت خوری از زمین به پایان رسیده است .» در فصل دیگری از سایت مزبور با عنوان " آزادیِ اندیشه " چنین آمده است :

«اگر زندگی در جامعه- در میان مردم یک کشور- موجب نفیِ آزادی کسی شود و آزادی اندیشه ، عقیده ، مذهب و آزادی بیان او را سلب کند همان بهتر که سر به کوه و بیابان بگذارد . ارزش آزادی اندیشه و بیان ، از مجموع مواهبی که اجتماع به او می‌دهد بیشتر است .»

کتاب بهارستان دریچه‌ای به قالی ایران

بخش دیگر این سایت به فعالیت‌های هنری غلامعلی ملول اشاره کرده است .

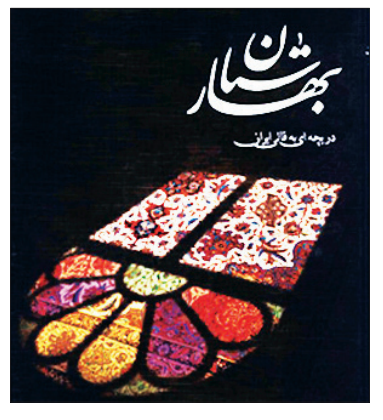

به علت کمیاب شدن " کتاب بهارستان دریچه‌ای به قالی ایران " و بالا بودن قیمت آن ، غلامعلی ملول سایت بهارستان «www.baharestanbook.com» را تهیه کرده تا مردم به آسانی و رایگان به این کتاب بسیار نفیس دسترسی داشته باشند . سایت مزبور ، خود بخشی از سایت malool.com می‌باشد .مهندس ملول فرش را عصارهٔ سلیقه ورزی و تمایلات عاشقانهٔ ایرانیان می‌داند که به قیمت انگشتانِ پینه بسته و مهره‌های درهم رفته کمرِ کدبانوهای ایرانی به دست آمده است .

راه‌اندازی موزهٔ مجازی فرش و موزهٔ مجازی قلمزنی نقره

مهندس ملول طی چهل سال ، یکی از بزرگترین مجموعه‌های فرش‌های نفیس ایران و همچنین کلکسیونی بسیار نفیس از قلمزنی‌های نقره اصفهان را گردآوری کرده است . وی کلکسیون فرش خود را که میلیون‌ها دلار ارزش داشته به موزه فرش ایران اهداء کرده تا همگان از دیدار این آثار بی‌بدیل و چشم نواز شاد شوند . همچنین او در سایت شخصی خود اقدام به راه اندازیِ موزهٔ مجازی فرش و موزهٔ مجازی نقره قلمزنی کرده است . در این موزه‌های مجازی تصاویر ۴۰ تخته از قالی‌های کم نظیر و حدود یکصد قطعه نقره قلمزنیِ اصفهان که هر یک از شاهکارهای قلمزنی می‌باشند با کیفیتی مطلوب به نمایش گذاشته شده است تا هنردوستان در سرتا سر جهان از این آثار کم نظیر بازدید کنند .

ترویج فرهنگ اقدامات بشردوستانه

در سایت malool.com علاوه بر بخش‌های "جهان‌بینی" و" فعالیت‌های هنری" بخش " فعالیت‌های خیرخواهانه " نیز برای فرهنگ سازیِ چنین اقداماتی به نمایش در آمده است . مهندس ملول با آن که از اقدامات خیرخواهانهٔ فرد به فرد در شرایط کنونیِ جامعه حمایت می‌کند اما بیشتر به فعالیت‌های خیرخواهانهٔ عام‌المنفعه گرایش دارد . از فعالیت‌های خیرخواهانهٔ وی می‌توان به ساخت مدرسه امام علی(ع) به مساحت ۵۸۰۰ مترمربع در اراک ، اهدای تمامیِ مجموعهٔ فرش خود به موزه ملی فرش ایران ، کمک به ساخت مراکز علمی و دیگر اقدامات بشر دوستانه او اشاره کرد . از مهندس ملول پرسیدم شما که طی ۴۰ سال با شوق بسیار به گردآوری کلکسیون فرش پرداخته‌اید چگونه از این قالی‌ها دل کندید و به موزه فرش ایران اهداء کردید؟

در پاسخ ملول گفت :

« من به یکایک این قالی‌ها عشق می‌ورزیدم اما در اواخر سال ۱۳۸۹ به این فکر افتادم که این قالی‌ها را به بند کشیده‌ام ، با خود گفتم این فرش‌های نفیس و کم نظیر باید چشم همگان را بنوازد و تصمیم گرفتم که کلکسیون خود را به ملت ایران تقدیم کنم .»

ادامه از صفحه ۹

روایت می‌کنم، نه آسیب‌شناسی

قبل از اینکه اصلا بیندیشد چطور می‌خواهد عکاسی کند، بتواند به تحلیل بپردازد و چهارخط بنویسد. اگر توانست این مرحله را پشت‌سر بگذارد، آرام‌آرام می‌تواند به وارد محتوای اصلی شود؛ یعنی به مدیوم عکاسی. می‌تواند بازیگر انتخاب کند، گریم‌های سنگین بکند و براساس محتوا، لوکیشن برگزیند؛ اما اینکه ما برای یک عکاسی صحنه‌آرایی‌شده فکر کنیم می‌توانیم از لوکیشن وارد موضوع شویم، اشتباه است. فرض کنیم من موقعیتی دارم که می‌توانم در فلان لوکیشن عکاسی کنم. می‌توانم یک عکاسِ عکس‌های صحنه‌آرایی‌شده باشم؟ خیر. از نظر من ۸۰ درصد عکاسی صحنه‌آرایی‌شده، موضوع و محتواست.

پس معتقدید عکاسی صحنه‌آرایی‌شده، فراتر از یک عکس است... .

در اینکه فراتر از عکس است، شکی نیست. من با اینکه تحصیلات آکادمیک عکاسی دارم و سال‌هاست در این زمینه تدریس می‌کنم هیچ‌وقت نمی‌گویم عکاس هستم، زیرا معتقدم کاری که می‌کنیم فراتر از اینهاست. اصلا فکر نمی‌کنم با چه مدیومی می‌خواهم کار را ارائه کنم. موضوعی ذهنم را درگیر می‌کند و مدت‌ها با گروهم روی آن تحقیق می‌کنیم. وقتی این تحقیق‌ها به جایی می‌رسد، تازه فکر می‌کنم آن را با چه مدیومی باید ارائه کنم. می‌تواند عکس باشد یا ویدئو یا پرفورمنس؛ آنجاست که مدیوم خودش را به من نشان می‌دهد و الزامی ندارم که حتما از کار عکاسی کنم. وقتی می‌بینید از موضوعی عکس می‌گیرم و در نمایشگاه ارائه می‌دهم به‌دلیل موضوع است که با مدیوم عکاسی هماهنگ می‌شود.

در عکاسی خبری یا مستند، آن‌قدر همه راه‌ها کشف شده که راه نیموده و طریق طی‌نشده‌ای نمانده. شاید از همین روست که در عکاسی مستند دست‌کاری می‌شود. آیا عکاسی صحنه‌آرایی‌شده راه گریزی نیست که بعضی عکاسان به‌صورت ناخودآگاه انتخاب می‌کنند؟

من هیچ‌گاه عکاس مستند و خبری نبوده‌ام که الان بخواهم شاخه‌ام را عوض کنم. از همان اول همین بوده‌ام. قبل از عکاسی، نقاشی می‌کردم. اولین نمایشگاه استیج فتوگرافی یا همان عکاسی صحنه‌آرایی‌شده من سال ۸۱ در گالری برگ برگزار شد و موضوع کارهایم مانند امروز کاملا اجتماعی و مربوط به زندگی روزمره بود. از زمانی که جدی‌ترین نمایشگاه‌هایم را برگزار کردم عکاسی صحنه‌آرایی‌شده کار کردم. همان زمان هم ویدئو و پرفورمنس انجام می‌دادم و در حوزه عکاسی تئاتر و سینما هم کار می‌کردم؛ اما آنچه به لحاظ هنری کار می‌کردم و با آن نمایشگاه می‌گذاشتم عکاسی صحنه‌آرایی‌شده بود. البته موضوعی را هم که شما درباره عکاسی خبری و مستند می‌گویید، قبول ندارم. اتفاقا وقتی ما درباره موضوع مستند صحبت می‌کنیم چطور می‌توانیم بگوییم همه راه‌ها کشف شده است؟ وقتی اتفاق مستند در تمام دنیا لحظه‌به‌لحظه تولید می‌شود، نمی‌توانیم چیزی به‌عنوان تکرار در عکاسی مستند داشته باشیم. لازمه این کار یک عکاس مستند و پیگیر است که می‌تواند مدام از تمام موضوعات و در تمام دنیا کار تولید کند. البته اگر منظورتان این است که بیزینس این اتفاق ضعیف است، درست می‌فرمایید. شاید یک عکاس مستند در ایران نتواند برای امرار معاش روی کارش حساب کند.

www.sharghdaily.ir

تصحیح و پوزش

● **شرق:** در گفت‌وگویی که ۱۳ اردیبهشت در همین صفحه با ارشد طهماسبی انجام شد، به‌خاطر کمبود جا مجبور شدیم بخشی را حذف کنیم. متأسفانه تیتر مصاحبه از همین بخش انتخاب شده بود که ضمن پوزش بابت حذف آن، توجه شما را به سؤال و جواب حذف‌شده، جلب می‌کنیم: «سؤال: لطفی گاهی اطرافیان و موسیقی‌دان‌ها را مورد نقد قرار می‌داد، نگاه شما به این نوع نقدکردن چیست؟» جواب:«نقد به معنای خرده‌بینی و بدگویی نیست، نقد سازنده به این معناست که راه را باز کند، اندیشه‌های ما را پالایش بدهد و بتواند کاری کند که همه ما همسو با هم به جامعه بهتری برسیم. اما اینکه مخاطب نقد چه کسی است و دارای چه فرهنگی است و منقد نیز با چه لحن و چه زبانی صحبت کند، بحثی است که من نمی‌خواهم وارد آن بشوم و اینکه زبان نقد لطفی چگونه بوده است و دیگران چقدر می‌پذیرفتند و اصلا این نقدها بجا بود یا خیر را نمی‌دانم، اما یک چیز را می‌دانم و آن اینکه جامعه موسیقی ما تحمل نقد بسیار کمی دارد به دلیل اینکه موسیقی‌دان‌ها به این عادت کرده‌اند که همه‌جا توسط مخاطب تحسین شوند. حتی من بر این عقیده هستم که کنسرت‌ها هم بتواند نقد شود. جامعه مخاطب عادت به تحسین و تشویق در سالن کنسرت دارد و رسم هم بر این است که بعد از اجرا می‌ایستند. این بلندشدن به این معنی است که ما از این موسیقی سرشار شدیم، از همین‌جا می‌توان نقد را شروع کرد. مخاطب کنسرت اگر احساس می‌کند که اجرا برایش دلنشین نیست و موسیقی دلپذیری نشنیده یا اهالی موسیقی کم‌کاری کرده‌اند در مواجهه باید از همین‌جا شروع کند و حداقل برنخیزد. اینکه در تمام سالن‌های ما دست می‌زنند، هو می‌کشند و غوغا می‌کنند و سراپا می‌ایستند این به آن معناست که همه موسیقی‌دان‌ها کار خود را درست انجام می‌دهند و توانسته‌اند موسیقی نابی را عرضه کنند و ما می‌دانیم که این‌گونه نیست و بسیاری از مخاطبان بعد از کنسرت شاکی و ناراضی هستند. پس این سؤال پیش می‌آید که چرا محکم دست می‌زنید؟ و چرا می‌ایستید؟»

سرخط

ایسنا: عباس کیارستمی پس از گذراندن یک مرحله تکمیلی دیگر از درمان خود و سپری‌کردن دو شب در بیمارستان، در منزل استراحت می‌کند. کیارستمی دو، سه روز قبل برای تکمیل درمان و چک‌کردن شرایطش به بیمارستان رفت که پس از انجام کار، دو شب در بیمارستان بستری شد و دوشنبه (۱۳ اردیبهشت) به منزل برگشت.